

موضوع : بررسی علل رکود اقتصادی در ایران در سال 84

دکتر مرتضی ایمانی راد - عضو هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی

تاریخ نگارش : 3 آبان سال 84

در مهر ماه نیز رکود اقتصادی در ایران ادامه یافت . بالا رفتن موجودیها ، کاهش سطح مبادلات اقتصادی ، کاهش شاخص بورس اوراق بهادار و کاهش سطح معاملات مسکن از علائم این رکود است . بدون پیدا کردن دلایل این رکود نمی توان با آن برخورد درست کرد و شرکتهای تولیدی در پیدا کردن استراتژی های خود طبعا دچار مشکل می شوند. آیا این رکود ادامه خواهد یافت و به تمامی حوزه های اقتصاد کشیده خواهد شد و یا بزودی خاتمه می پذیرد . آیا این رکود جزء همان رکودهای ادواری اقتصاد ایران است یا ویژگی های خاص خود را دارد. آیا این رکود با تغییرات سیاسی کشور مرتبط است و یا صرفا یک پدیده اقتصادی است . برای جواب به تمامی این سئوالات لازم است منشاء و علل اصلی این رکود شناسایی شود. با شناسایی علل اصلی این رکود میتوان به سئوالات فوق حداقل برخوردی کارشناسانه کرد و تخمین هایی در این مورد زد. دلیل اینکه از تخمین صحبت می شود اینست که متأسفانه در اقتصاد ایران شاخصهای اقتصادی منتشر نمی شود. این شاخصها به صورت ماهانه و بعضا فصلی توسط کشورهای دیگر منتشر می شود و تجزیه و تحلیل اقتصاد بدون این شاخصها امکان پذیر نیست . بنابراین هر گونه تحلیل اقتصادی از شرایط روز ایران با اما و اگر همراه است و با اطمینان نمیتوان در مورد صحت آن صحبت کرد. در هر حال تحلیل زیر با توجه به آمارها و شاخصهای بین المللی ارایه می شود . طبیعی است که اگر بخواهیم سهم هر عامل را در تحلیل زیر معین کنیم نیاز به اطلاعات گسترده برای کمی کردن مقادیر داریم که در شرایط فعلی امکان پذیر نیست .

با توجه به بررسی های انجام شده و آمارهای گردآوری شده شش عامل در بروز رکود اقتصادی سهمیه هستند که به ترتیب و به طور خلاصه در مورد آنها بحث می شود.

1. بالا رفتن بی رویه واردات یکی از مهمترین عوامل رکود اقتصادی است . ورود بی رویه و بی برنامه کالاهای چینی به بازارهای ایران بخشی از صنایع را با مشکل جدی مواجه نموده است . این مشکل وقتی به طور بحرانی امریکا و اروپا را درگیر کرده است به طوریکه کار امریکا به تهدید کشیده شده است ، آیا صنعتگر ایرانی حق ندارد که از رقابت بی امان کالاهای چینی شکایت کند. گذشته از واردات کالاهای چینی ، حجم واردات نیز به

سرعت و تحت تاثیر بالا رفتن قیمت نفت در حال افزایش است و این افزایش موجب سرازیر شدن انواع مختلف کالا به کشور شده است. اینکه چه کالایی، مصرفی یا واسطه ای وارد می شود، فرقی در ایجاد رکود ندارد. در بعد از انقلاب تحت تاثیر سیاستهای خودکفایی طیف وسیعی از صنایع در کشور ایجاد شدند که حاصل آن تنوع بسیار گسترده صنعتی بود. این تنوع صنعتی همگام بود با کاهش کارایی اقتصادی و کاهش سطح رقابت پذیری. چنین صنایعی همراه با واردات زیاد به کشور نه تنها به شدت ضربه پذیر می شود بلکه قدرت پایداری در دوره معقول را هم ندارد. در نظر داشته باشیم که در سال 1380 تنها 18 میلیارد دلار واردات به کشور داشته ایم و این رقم در سال جاری به حدود 43 میلیارد دلار می رسد. یعنی هر 5.5 واحد تولید در سال 1380 تنها یک واحد واردات در مقابل خود داشت و در سال جاری هر 3 واحد تولید یک واحد کالای وارداتی را در مقابل خود می بیند. معنی این وضعیت اینست که فشار رقابت بر کالای داخلی در مقابل واردات دو برابر شده است. گذشته از آن نه تنها کالای خارجی با سرعت زیاد در حال ورود به کشور است، بلکه نرخ ارزان ارز نیز فشار رقابت را به تولید کننده داخلی بیشتر کرده است. در چهار سال گذشته به زحمت نرخ ارز بیش از 12 درصد رشد داشته است در حالیکه قیمت های داخلی در این چهار سال (نسبت به سال اول) حدود 70 تا 80 درصد رشد داشته اند. بنابراین در حالیکه رشد قیمتی واردات بیش از 12 درصد نبوده است، رشد قیمت های داخلی برای تولید کننده داخلی بیش از 70 درصد بوده است. این شرایط محیط بسیار مناسبی را برای واردات فراهم می کند، و منجر به واردات بیشتر می شود. یعنی همان پدیده ای که در حال شکل گیری است و به نظر می رسد که اگر با معقول کردن نرخ ارز جلوی آن گرفته نشود به رشد سرطانی آن اضافه شود.

2. دومین علت رکود اقتصادی رکود ادواری در بخش ساختمان است. بر اساس تحقیقات انجام شده و بر اساس محاسبه ضرایب فراز و نشیب بخش ساختمان با سایر بخش های اقتصادی، بخش ساختمان استراتژیک ترین بخش اقتصادی کشور شناسایی شده است. یعنی وقتی رونق می گیرد بخش هایی وسیع از اقتصاد را دچار رونق می کند. با توجه به اینکه این بخش مدت مدیدی است که در حال رکود اقتصادی به سر می برد به طور طبیعی بخش های مرتبط به خود را نیز در رکود فرو می برد. ذکر یک نکته مهم در این ارتباط لازم است. حجم واردات و افزایش رکود در بخش ساختمان از عوامل بنیادی رکود اقتصادی به شمار می روند که از سه

سال قبل شکل گرفته اند و اثر نهایی خود را در زمستان سال 83 به جا گذاشتند و لذا از این نظر با سایر عواملی که گفته خواهد شد به طور ماهوی تفاوت دارند.

3. با انتخاب آقای احمدی نژاد به عنوان رییس جمهور کشور تغییرات قابل توجهی در سمت های مدیریتی داده شد و همین تغییرات موجب شد که بخش وسیعی از فعالیت های دولت راکد بماند. به عنوان نمونه پروژه های جدید تعریف نشدند. زیرا لازم بود که پروژه جدید را مدیر جدید تعریف و یا تایید کند. پروژه های نیمه تمام نیز به دلیل تغییر مدیریتها با احتیاط و تزریق حداقل پول دنبال شدند . مجموعه این عوامل موجب شد که پرداختهای دولتی ، که بزرگترین محرک اقتصادی در ایران است ، با وقفه و رکود جدی مواجه شود. اگر این وقفه در پرداختها را با وقفه در پرداختهای شهرداری تهران همراه کنیم اثر رکودی آن کم نیست . با توجه به اینکه حجم بسیار وسیعی از تولید کنندگان بخش خصوصی از نظر بازار کالاهای خود به دولت وابسته اند ، بنابراین رکود در پرداختها به سرعت تبدیل به رکود تولید و کاهش شدید نقدینگی در سطح جامعه خواهد شد.

4. افزایش نقدینگی در سالهای گذشته بی رویه ادامه داشته است و در شرایط فعلی این حجم نقدینگی موجب بالا رفتن قیمتها و کاهش قدرت اقتصادی مردم شده است . با توجه به اینکه در سال 83 و 84 این رشد نقدینگی به بالاترین حد خود رسیده است ، طبیعی است که بخشی از درآمد مردم به طور واقعی کاهش می یابد و این کاهش به همین میزان قدرت خرید آنها را پایین می آورد . پایین آمدن قدرت خرید در جامعه نیز اثر رکودی دارد . به عنوان نمونه به آماری که قبلا نیز ارایه شده است توجه نمایید. در ایران یک کارمند عادی بانک با جمع کردن تمامی حقوق خود ظرف 10 ماه تا یکسال تنها قادر است یک متر مربع آپارتمان خوب خریداری نماید. درحالیکه همین کارمند در کانادا و یا سایر کشورهای توسعه یافته با یک ماه حقوق خود به راحتی می تواند یک متر مربع آپارتمان خریداری نماید. این شکاف بسیار زیاد و عجیب نشان دهنده پایین بودن قدرت خرید رسمی مردم در اقتصاد ایران است . یعنی همان عاملی که در رکود اقتصادی کشور نقش دارد.

عوامل یاد شده عوامل اقتصادی و عوامل واقعی رکود اقتصادی در ایران است. نمیتوان گفت که سهم هر یک چقدر است ولی در رکود بنیادی که در سال 83 شروع شد عوامل 1 و 2 و 4 و در تشدید رکود در سال 84 عامل سوم سهم بیشتری دارند. در کنار این عوامل ؛ انتظارات بازار نیز نقش دارد . یعنی هنوز از نظر اقتصادی اتفاق خاصی رخ نداده است ولی

پیش بینی عاملین اقتصادی موجب رفتاری از آنها می شود که انگار آن اتفاق افتاده است . این ها تحت عنوان عوامل روانی (و غیر واقعی ، که البته در آینده می تواند به واقعیت بپیوندد) طبقه بندی می شوند. در فهرست عوامل رکود اقتصادی عوامل روانی نیز نقش مهمی دارند و به نظر می رسد که علل واقعی رکود اقتصادی را در سال 83 آغاز نمود و علل روانی این رکود را در سال 84 تشدید نمود. این علل به قرار زیرند :

5. بحث بحران هسته ای کشور را با سیل زیادی از انتظارات همراه کرده است . در سه ماه گذشته احتمال ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت بیشتر شده است و همین مساله انتظارات نامطلوبی را در اقتصاد ایران بر جای گذاشته است . آنچه مسلم است اینست که در سه یا چهار ماه گذشته روند حل پرونده هسته ای ایران از دید اثر آن بر ثبات اقتصادی مطلوب نبوده است . این مساله موجب تغییر رفتار و تغییر در تخصیص منابع فعالان اقتصادی می شود. این تغییرات به طور مشخص رکود اقتصادی را تشدید می کند.
6. انتخاب آقای احمدی نژاد با صف آراییهای مشخص همراه بود. بخشی از کارگزاران اقتصادی و بورس و کارشناسان دولتی انتظارات رکود اقتصادی را بعد از انتخابات اقتصادی می دادند. بعضی این رکود را به انتخاب آقای احمدی نژاد منسوب می کنند و گروهی آن را به تغییر در بافت سیاسی کشور مرتبط می دانند. گروهی دیگر معتقدند که تغییر در ریاست قوه مجریه بدون توجه به اینکه چه کسی انتخاب می شود موجب رکود اقتصادی و سیاسی می شود و این اثر پس از یک دوره معقول از بین می رود. در هر حال تغییر بافت سیاسی کشور در قوه مجریه همراه با شکل گیری انتظارات تورمی بود. طبیعی است که این انتظارات در یک مدت زمان مشخص تبدیل به رفتار های مشخصی می شود که نتیجه آن رکود اقتصادی است .

به نظر می رسد که دو عامل یاد شده در تشدید بحران و به خصوص در شکل گیری بحران در بازار بورس دارای تاثیر قابل توجهی بوده اند.

همان طور که گفته شد مجموعه عوامل 1 تا 4 از عوامل واقعی و بنیادی رکود در اقتصاد ایرانند و دو عامل 5 و 6 از عوامل روانی اند که رکود اقتصادی را به شدت گسترده تر کرده است . با توجه به این تحلیل می توان پیش بینی کرد که در صورت بهبود فضای سیاسی کشور عوامل 5 و 6 کاهش یافته و از شدت رکود اقتصادی کاسته خواهد شد . ضمناً با جا افتادن مدیران جدید پیش بینی می شود که عامل 3 نیز بهبود یافته و بهبودی نسبی را در بخش خصوصی پدید

آورد. ولی برای اصلاح سایر عوامل احتیاج به اتخاذ سیاستهای بنیادی از قبیل تغییر نرخ ارز و تغییرات اساسی در قوانین فضای کسب و کار کشور است که به سادگی امکان پذیر نیست و به نظر می رسد که در سال آینده نیز با نرخ رشد اقتصادی کاهنده مواجه باشیم .